

طراحی نظام تعلیم و تربیت اسلامی با تکیه بر روش اجتهادی با رویکرد نظاممند*

□ ضاحی **

چکیده

مقاله پیش رو در صدد تبیین ضرورت بهره‌گیری از روش اجتهاد استنتاجی با رویکرد نظاممند برای تولید گزاره‌های تربیتی و طراحی نظام تعلیم و تربیت است. سؤال اساسی که این مقاله در پی پاسخ به آن می‌باشد چرایی بهره‌گیری از روش استنتاجی با رویکرد نظاممند و نحوه کار بست آن است. برای دستیابی به پاسخ از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که علاوه بر بهره‌گیری از روش استظهاری، باید از روش استنتاجی نیز بهره گرفت. بهره‌گیری از روش استنتاجی، ابزار مناسبی برای تولید گزاره‌ها و بسط آموزه‌های تربیتی از منابع دینی است ولی کافی نیست؛ بلکه برای دستیابی به نظام تعلیم و تربیت، باید جهت‌گیری نظاممند در تولید گزاره و نظام تعلیم و تربیت نیز مورد توجه قرار گیرد. تأکید بر رویکرد نظاممند، رویکردی نوظهور است. به همین دلیل، تلقی‌های مختلفی از آن شکل گرفته و به تبع آن، عکس‌العمل‌های موافق و مخالف چشم‌گیری به دنبال داشته است. به همین دلیل، پیشنهاد می‌شود در کنار تعمیق مبانی نظری این رویکرد، به کار بست عملی آن نیز مبادرت شود تا حدود کارایی و اعتبار آن، به صورت عینی محک بخورد. **کلیدواژه‌ها:** نظام، اجتهاد، استنتاج، استظهار.

مقدمه

یکی از دغدغه‌های مهم و قدیمی بشر در حوزه دانش در طول تاریخ، تلاش برای انسجام‌بخشی به آگاهی‌های خویش و عبور از دانش عرفی به دانش رسمی بوده است. هرچند همه انسان‌ها عالم به معنای معرفت‌شناختی و منطقی آن هستند، ولی به لحاظ اجتماعی، همین انسان‌های عالم، خود بر دو دسته عالم و جاهل طبقه‌بندی می‌شوند. ملاک این طبقه‌بندی نیز بر تسلط برخی از انسان‌ها بر دانش رسمی به مفهوم دیسپلینی آن و فقدان این توانمندی در سایر انسان‌ها بر می‌گردد. در حقیقت هویت منسجم و روشمند دانش رسمی مهم‌ترین عامل تمایز دانش عرفی از دانش رسمی شده است. سؤال اساسی که در این میان مطرح بوده و هست، عامل انسجام گزاره‌ها و محور وحدت‌بخش مسائل یک دانش چیست؟ در پاسخ به این سؤال، ملاک‌های متعددی ارائه شده است که در این میان، موضوع، روش و غایت مهم‌ترین آنها به شمار می‌رود. در این مقاله، نمی‌توان درباره این ملاک‌ها و برتری یکی بر دیگری بحث و گفت‌وگو کرد. آنچه در صدد بیان آن هستیم تأکید بر این واقعیت است که دغدغه انتظام‌بخشی

* تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۱/۲۵؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۴/۱۱.

** دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، مسئول دفتر تألیف متون درسی جامعه الزهراء، دانشیار و دبیر پژوهشی گروه مبانی اندیشه مؤسسه علوم انسانی (reza_۳۰_mahdi@yahoo.com)

(این مقاله از همایش فقه تربیت پردیس خواهران دانشگاه امام صادق* به مجله ارسال شده است).

بر دانش و تلاش برای اتخاذ رویکرد نظاممند، پدیده نوظهوری نیست. آنچه تا حدی تازگی دارد، تلاش اندیشمندان مسلمان به ویژه صاحب نظران معاصر برای اتخاذ رویکرد نظام مند در فهم، تبیین و ارائه آموزه‌های اسلامی است. این جهت گیری با پیروزی انقلاب اسلامی، با شدت و حرارت بیشتر دنبال شد. ریشه این موضوع نیز به این نکته برمی گردد که بنیان گذاران و رهبران فکری و عملی انقلاب اسلامی، خود از چنین بینشی نسبت به اسلام برخوردار هستند. برای نمونه مقام معظم رهبری در مقدمه کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، بر ضرورت مواجهه نظام مند با آموزه‌های اسلامی در سطوح مختلف آن تأکید کرده می نویسد:

مباحثات و تحقیقات اسلامی از اینکه بتواند مجموعه طرح و نقشه یک آیین متحد الاجزاء و متماسک را ارائه دهد، و نسبت آن را با مکتب‌ها و آیین‌های دیگر مشخص سازد، عاجز مانده است. ... لازم است مسائل فکری اسلامی به صورت پیوسته و به عنوان اجزای یک واحد مورد مطالعه قرار گیرد و هر یک به لحاظ آنکه جزئی از مجموعه دین و عنصری از این مرکب و استوانه‌ای در این بنای استوار است و با دیگر اجزاء و عناصر هم‌آهنگ و مترابط است و نه جدا و بی‌ارتباط، با دیگر اجزاء بررسی شوند؛ تا مجموعاً از شناخت این اصول طرح کلی و همه جانبه از دین به صورت یک ایدئولوژی کامل و بی‌ابهام و دارای ابعادی متناسب با زندگی چند بعدی انسان استنتاج شود (خامنه ای، ۱۳۷۷: ۱).

شهید مطهری نیز که از ایشان در امتداد حضرت امام & به عنوان معمار اندیشه نظام اسلامی یاد می‌شود، بر «مجموعه هماهنگ» بودن هویت اندیشه دینی تصریح می‌کند. وی معتقد است:

کسی که می‌خواهد پیامی را به جامعه برساند باید خودش با ماهیت آن پیام آشنا باشد. باید فهمیده باشد که هدف این مکتب چیست؟ اصول و پایه‌های این مکتب چیست و راه این مکتب چیست و به کجا می‌رسد. اخلاق، اقتصاد و سیاست این مکتب چیست؟ ... از اینجا معلوم می‌شود که برای یک نفر مبلغ تا چه اندازه وسعت اطلاعات علمی و شناخت اسلام آن هم به صورت یک مکتب لازم است. اسلام خودش یک مکتب است، یک اندام است. یک مجموعه هماهنگ است. یعنی اگر تک تک شناختی، فایده ندارد، باید همه را در آن اندام و ترکیبی که وجود دارد بشناسی. ارزیابی ما درباره مسائل اسلامی باید درست باشد. برای یک اندام، یک عضو به تنهایی ارزش ندارد. در اندام انسان دست، پا و غیره هر کدام یک عضو هستند، ولی آیا ارزش این اعضا در این اندام، با اینکه همه لازم و واجب هستند، یک جور است؟ آیا اگر لازم شد، یک عضو را فدای عضو دیگر کنیم، کدام عضو را فدای لازم شد، قلب را فدای دست می‌کنیم؟ اسلام هم همین طور است (مطهری، بی تا: ۴۱۵).

تلاش برای مواجهه نظام مند با آموزه‌های اسلامی و تبیین ابعاد مختلف آن، هر چند متناسب با آن، پیگیری نشد، ولی برخی از صاحب نظران و نویسندگان در قالب‌های مختلف و با عناوین متنوع سعی در تبیین این جهت گیری داشته و دارند. مقالاتی با عناوینی از قبیل: معنانشناسی نظام سازی و روش شناسی کشف نظام از منابع دینی (رضایی منش، بابایی مجرد، ۱۳۹۴: ۱۵۹ تا ۱۸۶). کشف و فهم الزامات و بایسته‌های نظام سازی قرآنی در جامعه اسلامی (عبدالحسین زاده، و بابایی مجرد، ۱۳۹۶: ۵۷ - ۸۲)، بازکاوی جایگاه منطقه الفراع در نظام سازی فقهی با تأکید بر آرای شهید صدر (علی اکبری بابوکانی، طباطبایی و آهنگری، ۱۳۹۶: ۱۶۹ - ۱۹۲) و سایر عناوین، همه بیانگر تلاش های اولیه برای تبیین و تعمیق این نگرش و نهادینه کردن این رویکرد به شمار می‌رود (ر.ک: ۱۳۹۰: ۱۷۸ - ۱۸۰؛ اکبری، ۱۳۹۱: ۴۱ - ۵۸؛ بابوکانی، طباطبایی نژاد، و آهنگری، ۱۳۹۵: ۸۷ - ۱۰۶؛ عینی زاده، مودب، ۱۳۹۶: ۱۵۳ - ۱۷۵؛ نبوی، ۱۳۷۵: ۳ - ۲۱).

تبیین پیشینه و حدود این تلاش‌ها، در این مقاله مقدور نیست. آنچه در اینجا در صدد بیان آن هستیم، تلاش برای تبیین جایگاه رویکرد نظام‌مند در روش اجتهادی به عنوان روش اصیل فهم دین و کیفیت بهره‌گیری از روش نظام‌مند در زیر چتر روش اجتهادی برای تولید و استنباط گزاره‌های تربیتی از یک طرف و استخراج نظام تعلیم و تربیت از جانب دیگر است.

۱. روش اجتهادی تنها روش معتبر برای فهم دین

الف. ضرورت بهره‌گیری از روش اجتهادی

برای دست‌یابی به نتایج مورد نظر، با توجه به نوع مسئله و منابع مورد استفاده، باید از روش تحقیق خاصی بهره گرفت. این نکته درباره روش استخراج گزاره‌های تربیتی از منابع دینی نیز صادق است. برای استخراج گزاره‌های تربیتی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، باید به منابع استنباط معارف دینی، به ویژه کتاب و سنت، مراجعه کرد. ویژگی خاص منابع دینی، مستلزم اتخاذ روش تحقیق خاصی است که در این بخش، در صدد تبیین آن هستیم. روش تحقیق مورد نظر، برای استنباط گزاره‌های دینی، به صورت اجمالی عبارت از روش اجتهادی است.

ب. تعریف اجتهاد

واژه «اجتهاد» از ماده «جهد» است. برای ماده «جهد» در منابع لغت، معانی متعددی نقل شده است: صاحب کتاب *العین* برای این واژه دو ماده ذکر کرده: *جَهْد* (بفتح العین) و *جَهْد* (بضم العین). *جهد* را دستیابی به نهایت یک امر، حداقل چیزی که بتوان به وسیله آن زندگی را گذراند، به کارگیری حداکثر توانایی خود برای دست‌یابی به مقصود معنا کرده است.

در منابع لغوی، برای اجتهاد، معانی نزدیک به هم ذکر شده است. در کتاب *العین* در هر سه معنا، اجتهاد با نوعی *مشقت* و سختی ملازم شده است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۳۸۶). در *مقاییس* نیز معنای اصلی اجتهاد، *مشقت* تلقی شده و طاقت و استعمالات نزدیک به آن را از لوازم *مشقت* برشمرده است (ابن فارس، بی‌تا: ۴۸۶). این نکته در *صحاح* نیز مشهود است (جوهری، بی‌تا: ۴۶۰). *مفردات* علاوه بر طاقت و *مشقت*، به معنای دیگری اشاره دارد، یعنی «وسع» و استعمالاتی را نیز در این مورد ذکر می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۰۸).

با توجه به این تحلیل، اجتهاد در لغت عبارت است از: به کارگیری نهایت وسع و طاقت خود برای دست‌یابی به مقصود که به صورت طبیعی، مستلزم *مشقت* است.

از دیدگاه مشهور اصولیون، اجتهاد فعالیت فکری روشمند، با تکیه بر منابع معتبر است که حاصل آن در برخی موارد، دست‌یابی به احکام قطعی و در اغلب موارد، احکام ظنی (معتبر) است. این نتیجه، در پرتو به‌کارگیری مقدمات قطعی یا ظنون خاص در مقدمات استنباط به دست می‌آید (طوسی، ۱۴۱۷: ۷۲۴ - ۷۲۵؛ حلی، ۱۴۰۴: ۲۴۰ - ۲۴۱؛ عاملی، ۱۴۱۸: ۱۰۹ - ۱۱۰؛ فاضل تونی، بی‌تا: ۲۴۳؛ طباطبایی، ۱۲۹۶: ۵۷۱ - ۵۷۰؛ اصفهانی، ۱۴۰۴: ۳۸۸ - ۳۸۹؛ خراسانی، ۱۴۰۹: ۴۶۴؛ خمینی، بی‌تا: ۹۵ - ۹۴؛ فیروزآبادی، ۱۴۰۰: ۱۶۲ - ۱۶۹؛ صدر، بی‌تا: ۳۱؛ اردکانی، ۱۴۰۲: ۱۳ - ۱۱).

لازم به ذکر است که محصول فعالیت اجتهادی، لزوماً ظنی نیست. البته در اغلب موارد به دلیل ظنی بودن طرق دست‌یابی به احکام و دلالت آیات قرآنی، احکام مستنبط نیز ظنی است، ولی در مواردی نیز فقیه می‌تواند با فحص بیشتر و یا دست‌یابی به آیاتی که دلالت آن بر حکم شرعی در حد نص می‌باشد، به حکم شرعی قطعی دست پیدا کند (فاضل تونی، بی‌تا: ۲۴۳).

مرحوم خوبی، با محور قرار دادن نتیجه حکم در قالب «ظن به احکام»، مخالف است و اعتقاد دارد که به جای آن باید از تعبیر

«تحصیل الحجّة علی الاحکام» بهره گرفت (خویی، ۱۴۱۷: ۴۳۵ - ۴۳۴). از دیدگاه ایشان، تعریف اجتهاد به «استفراغ الوسع» برای دستیابی به حکم ظنی، تعریفی ناقص، نارسا و حتی نادرست از اجتهاد است؛ چرا که لازمه این تعریف، حجیت مطلق حکم ظنی مستنبط است، در حالی که این دیدگاه از یک سو بر دیدگاه عامه در مورد فهم دین و محصول فعالیت اجتهادی مورد نظر آنان منطبق است و از سوی دیگر، با دیدگاه بسیاری از صاحب نظران در مورد حجیت ظنون مخالف است؛ چرا که از نظر اغلب صاحب نظران، هر نوع ظنی حجت نیست، بلکه فقط در پرتو بهره‌گیری از ظنون معتبر (ظنون خاص) اعتبار و حجیت دارد. با توجه به این کاستی، مرحوم خویی، از این تعریف عدول کرده، اجتهاد را به استفراغ وسع با هدف تحصیل حجیت بر حکم شرعی تعریف کرده است: «و الصحیح أن یعرف الاجتهاد باستفراغ الوسع فی تحصیل الحجّة علی الأحکام الشرعیة أو تعیین الوظیفة عند عدم الوصول إليها» (خویی، ۱۴۱۷: ۴۳۵-۴۳۴؛ همو، ۱۴۱۷: ۳۶۶).

با توجه به تعریف‌های ارائه شده از اجتهاد، می‌توان آن را به صورت خلاصه، بدین گونه تعریف کرد: «توانایی استنباط از متون دینی، با تکیه بر مبانی متخذ (غیر تقلیدی بودن مبانی موثر در استنباط)، از طریق مراجعه مستقیم به منابع مورد قبول دین با هدف تحصیل حجیت بر حکم مراد شارع».

ج. مولفه‌های اجتهاد

با دقت در تعریف پیش گفته و توجه به قیود آن، درمی‌یابیم که اجتهاد دارای مؤلفه‌های خاصی است که مهم‌ترین آنها را ذکر کرده، به اختصار توضیح می‌دهیم:

یکم. ملکه استنباط

این ملکه، ناظر به این واقعیت است که در عملیات استنباط، صرف آگاهی و حتی تسلط بر متون فقه و اصول کافی نیست، بلکه شخص علاوه بر آن، باید از ملکه استنباط و قدرت کاربرد قواعد استنباط (اعم از قواعد ادبی، رجالی، اصولی و...) برخوردار باشد.

دوم. برخورداری از مبانی متخذ (غیر تقلیدی بودن مبانی مؤثر در استنباط)

برخورداری از مبانی استنباط اجتهادی، ناظر به این نکته است که فرد باید در مبانی استنباط، صاحب نظر و دارای مبانی اجتهادی خاص خود باشد. بنابراین استنباط با تکیه بر مبانی متخذ از دیگر صاحب نظران و به صورت تقلیدی، از شمول دایره این تعریف خارج خواهد بود.

سوم. ضرورت مراجعه به منابع معتبر

این ضرورت بیانگر این واقعیت است که اظهار نظر با تکیه به هر منبع و متنی، پذیرفتنی نیست، بلکه خود منابع نیز باید از اعتبار و پذیرش لازم برخوردار باشد. منابع هم اعم از کتاب و سنت بوده، شامل عقل نیز می‌شود.

چهارم. توانایی مراجعه مستقیم

برای اظهار نظر اجتهادی، مراجعه به دیدگاه‌های صاحب نظران دین - هر چند درجه اول باشند - کافی نیست. بلکه این اظهار نظرها زمانی معتبر است که از طریق مراجعه مستقیم به آیات و روایات و سایر منابع به تناسب موضوع انجام پذیرد.

۲. اقسام روش تحقیق اجتهادی

مراد از روش تحقیق تجزیه‌ای، به‌کارگیری مبانی استنباط در یک مسئله خاص از قبیل مطهر بودن آفتاب یا خاک و یا منجس بودن یا نبودن متنجس و یا سایر اجزای جزئی رفتارهای عبادی و اجتماعی با مراجعه به متون دینی و روایات خاص آن مسئله می‌باشد.

الف. روش استظهاری

در این روش، متن (در این مورد خاص، متون و حیانی)، با بهره‌گیری از قواعد تفسیر و فرایند فهم متن، مورد تحلیل قرار گرفته، تلاش می‌شود تا مراد گوینده کشف شود.

تردید نیست که قبل از تلاش تفسیری برای یک متن، ابتدا باید از اصل انتساب متن به مؤلف، اطمینان خاطر داشته باشیم، وگرنه پیش از فرایند تفسیر، ابتدا باید، فرایند انتساب متن به مؤلف و صاحب اثر اطمینان حاصل کرد و سپس به تحلیل و تفسیر آن پرداخت. بدین ترتیب، در نگاهی کلان، فرایند تفسیر به دو مرحله تقسیم می‌شود: صحت انتساب اثر به مؤلف و صاحب اثر و صحت انتساب فهم حاصل از تفسیر به مؤلف.

ب. فرایند روش استظهاری

همان‌طور که اشاره شد، انتساب اثر به مؤلف، یا امری یقینی و تردیدناپذیر است و یا اینکه یقینی نیست. در صورت یقین انتساب اثر به صاحب آن، گام اول به سهولت برداشته می‌شود، ولی اگر در اصل انتساب اثر به مؤلف، تردید باشد، ابتدا باید راه‌های محتمل انتساب اثر، شناسایی و سپس اعتبارسنجی شده و در نهایت، در مقام تعارض این راه‌ها به لحاظ مسیر ارتباط با مؤلف و راه کشف انتساب اثر، معیار ترجیح یک راه نسبت به راه‌های دیگر، استخراج و ارائه گردد؛ راه‌هایی از قبیل اجماع، شهرت، خبر واحد (همه انواع خبر کمتر از حد تواتر، اعم از خبر واحد صرف یا مستفیض و...).

پس از شناسایی انواع راه‌ها، باید به اعتبارسنجی آنها پرداخت. البته اعتبارسنجی این راه‌ها به عهده علم اصول است. بنابراین فقیه قبل از پرداختن به امر تفقه، ابتدا باید در حوزه اصول استنباط، گام نهد. در هر صورت با توجه به نوع دیدگاهی که هر فقیه در اصول نسبت به این طرق دارد، دامنه اسناد قابل انتساب به مؤلف، گسترده و یا کم‌دامنه خواهد بود. این نوع نگرش در مورد هریک از راه‌های انتساب اثر قابل تصور است؛ چرا که برخی به رد مطلق اعتبار اجماع معتقدند، ولی برخی دیگر با ارائه قیود خاصی از قبیل قدمت اجماع و نزدیکی آن به عصر حضور معصوم^{*}، بر معتبر بودن این طریق اعتقاد دارند. این امر در مورد شهرت نیز وجود دارد، ولی آنچه حایز اهمیت است، دامنه حجیت خبر واحد است که هم به لحاظ خصوصیات مخبر و هم متعلق خبر، از طیف‌های متعددی برخوردار است. در محدودترین و ضیق‌ترین شکل، فقط خبر واحد عادل معتبر شمرده می‌شود، اما در دیدگاهی دیگر، خبر واحد ثقه نیز پذیرفته می‌شود. در نگاهی موسع، اساساً نگاه به خود خبر است تا مخبر. بر این اساس، مهم موثوق بودن خود خبر است، هر چند که گوینده، ثقه نباشد. البته ثقه بودن مخبر، خود یکی از عوامل موثوق بودن خبر به شمار می‌رود. در این نگاه، سند از محوریت خارج شده و خبر، کانون تحلیل و بررسی و موضوع رد و اثبات تلقی می‌شود. بنابراین، مرسل بودن خبر نمی‌تواند دلیل بر بی‌اعتنایی به آن و در نتیجه خروج آن از گردونه استنباط قلمداد شود.

علاوه بر گسترده و یا محدود بودن دامنه خبرهای قابل انتساب، نوع متعلق خبر نیز یکی از عوامل تأثیرگذار بر امکان انتساب و یا عدم انتساب تلقی می‌شود. این قاعده که در اصطلاح اصولیون «تسامح در ادله سنن» می‌باشد، بیانگر این نکته است که در صورت غیر الزامی بودن مجموعه توصیه‌ها و دستورها، نیاز چندانی به اعمال قواعد و تطبیق معیارهای تنگ‌نظرانه مربوط به قواعد الزامی نیست. به همین دلیل، احتمال صدور آن نیز برای عمل به آن کفایت می‌کند. به عبارت دیگر، خبر یا حامل گزاره دستوری، ارزشی و توصیه است و یا منع از عمل به قاعده‌ای. در صورت اول، انجام دادن این دستور، با امید به احتمال صدور این خبر کفایت می‌کند. در صورت دوم نیز اصل ضرورت ترک دستور منهی عنه از اساس منتفی است. در صورت ترک هم نه فقط محذوری متوجه مکلف نیست، بلکه امید دستیابی به ثواب نیز دور از ذهن نیست.

در هر صورت، بعد از فراغت از اصل انتساب، نوبت به تحلیل و تفسیر متن می‌رسد. تفسیر و فهم استظهاری از متون دینی، مراحل متعددی دارد که برخی از آنها عبارت است از:

۱. فهم معجمی و لغوی مفردات کلام متکلم.
۲. فهم جمله در پرتو فهم ساختار و نحوه ترکیب.
۳. فهم ساختار کل متن و تأثیر آن بر فهم کلام متکلم.

۳. روش استنتاجی

الف. تعریف

از دیگر روش‌های استنباط و تولید دانش اسلامی، روش استنتاجی است. روش استنتاجی عبارت است از: سیر از مقدمات به نتایج از طریق ترکیب مبانی متخذ از آیات و روایات و ترکیب آنها در قالب‌های مختلف استدلال منطقی برای دست‌یابی به نتایج متناسب با مقدمات. در این روش، ابتدا مبانی از متون و منابع استخراج می‌شود و سپس از طریق ترکیب مقدمات، گزاره مورد نظر، استخراج می‌گردد.

ب. فرایند

- استخراج مبانی به روش استظهاری از کتاب و سنت و طبقه‌بندی آنها در دو نوع مبانی اصلی و مبنایی فرعی؛
- طرح مسئله و عرضه آن به مبانی استخراج شده؛
- شناسایی مبانی متناسب با مسئله؛
- تبیین و استخراج نتایج از طریق ترکیب مبانی.

۴. تلفیق روش استنتاجی با رویکرد نظام‌مند برای طراحی نظام تعلیم و تربیت

الف. تعریف رویکرد تجزیه‌ای و نظام‌مند

یکی از رویکردهای مهم در تحلیل نظام تعلیم و تربیت، رویکرد سیستمی است (دوبروکسی، ۲۰۰۴: ۱۰۸-۱۰۹؛ پیبیت، ۲۰۱۲: ۱۳۱۰). نوع نگرش صاحب‌نظران نسبت به ماهیت تعلیم و تربیت، از سیر تحول خاصی در طول تاریخ برخوردار بوده است. مهم‌ترین این رویکردها، رویکرد سیستمی است (اسچونیگر، ۲۰۰۵: ۱-۲). «سازمان یک کل واحد است و از اجزای منظم و متقابلاً کنش‌مندی ساخته شده است. از این رو، سازمان به واقع یک سیستم است، منتها سیستم از نوع خاصی که آن را سیستم متضمن مقصود یا هدفمند می‌نامند، سیستمی که در پی وصول به هدفی است» (علاقه‌بند، ۱۳۸۵: ۱۴۸).

از روش تجزیه‌ای با عناوینی چون «اتمیس»،^۱ «عنصرگرایی»^۲ و «تجزیه‌گرایی»^۳ نیز یاد شده است. در این روش ابتدا با تجزیه واقعیت به عناصر تشکیل‌دهنده آن، به بررسی موردی و جزئی آن عناصر می‌پردازند. سپس با پرداختن به تحلیل روابط بین عناصر، در پی کشف مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار برمی‌آیند. تجزیه و تحلیل،^۴ فرایند شکستن موضوعی پیچیده یا ماده‌ای به اجزای کوچک‌تر برای کسب فهم بهتری از آن است. این روش، در مطالعه ریاضیات و منطق پیش از ارسطو استفاده می‌شده است؛ هرچند به تازگی مفهومی رسمی شده است.

از شیوه تحلیل نظام‌مند نیز با نام‌هایی چون «تفکر ارگانیکی»، «کل‌گرایی» و «نگرش سیستمی» یاد شده است. نظام، کل سازمان یافته مرکب از عناصر متعددی است که آنها را فقط در ارتباط با یکدیگر و بنا بر جایگاهی که در این کل دارند، می‌توان

تعریف کرد. از نظام، تعاریف متعددی شده است که بررسی آنها خارج از حوصله این نوشتار است و تنها به تعریف مورد نظر از آن بسنده می‌شود. سیستم عبارت است از: مجموعه عناصری که به شکل اصل و فرع با هدف برآورده کردن هدف یا اهداف مشخصی به شکل منسجم با یکدیگر ترکیب شده است.^۵

ب. ویژگی‌های نظام

با توجه به تعریف بالا می‌توان به این واقعیت پی برد که نظام دارای ویژگی‌هایی است که برخی از آنها، عبارتند از:

یکم. پیوند و رابطه منطقی بین عناصر و اجزا.

نظام، فقط جمع شدن اجزا و عناصر نیست، بلکه باید بین آنها پیوند و رابطه‌ای منطقی یا عملیاتی و کاربردی مشخص وجود داشته باشد. پیوند بین اجزا و عناصر در نظام، از دو دیدگاه قابل بررسی است: یکی از دید پیوند معناشناختی؛ به این معنا که مفاهیم و گزاره‌ها در ارتباط با یکدیگر معنای حقیقی خود را پیدا می‌کنند. دیگر از نگاه پیوند فرامعنایی و واقعی. مراد از پیوند فرامعنایی این است که نظام‌های معرفتی چون در پی تبیین حقایق و ارزش‌های بیرونی‌اند، درستی مفاهیم و گزاره‌های خود را نسبت به واقعیات عینی ادعا می‌کنند؛ چراکه پیوند معنایی، ریشه در جهان خارج دارد. در کاربرد نیز گزاره‌های تجویزی در نظام باید برخوردار از این روابط دوگانه باشند.

دوم. بین اجزا و عناصر نظام رابطه اصل و فرع برقرار است.

مانند رابطه سنخیت بین علت و معلول در نظام فلسفی با اصل قاعده علیت و یا رابطه سایر اجزای نظام هندسی اقلیدسی با قاعده عدم امکان رسم بیش از یک خط موازی از نقطه خارج یک خط و امکان رسم بی‌نهایت خط موازی در هندسه نااقلیدسی و یا ارتباط اصل وحدت خدای متعال با سایر اصول دین.

سوم. بین کلیه عناصر نظام، هماهنگی و سازواری وجود داشته باشد.

کارکرد هر جزء در مجموعه و اثرگذاری آن، وابسته به کارکرد همه اجزا و عناصر می‌باشد. بنابراین ضعف عملکرد یکی از اجزا در نظام‌های مکانیکی، یا غیر فلسفی و نامعقول بودن یکی از اصول در نظام‌های معرفتی، اعتبار کل نظام را مخدوش می‌کند.

چهارم. هر یک از عناصر با سه حوزه در ارتباط‌اند: ۱. رابطه تک‌تک عناصر نسبت به هم؛ ۲. رابطه عناصر با کل مجموعه در جایگاه کل؛ ۳. رابطه آنها با نظام‌های بیرون از خود به صورت غیر مستقیم.

پنجم. نظام باید غایت‌مند و هدف‌دار باشد.

هر سیستم دارای هدف مشخصی است. که مشخص می‌کند ویژگی‌های سیستم چه باید باشد. هدف باید قابل اندازه‌گیری و دقیق باشد. نخستین چیزی که در تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم باید مشخص شود، هدف آن است.

ششم. پویایی نظام

نظام در درون خود به صورت پویا عمل می‌کند، نه پایا و استاتیک. در واقع نظام‌ها تحول‌پذیرند؛ یعنی ممکن است عناصر آن تغییر کنند و عناصر جدید، جایگزین عناصر پیشین شوند، ولی با وجود این، نظام، خود را حفظ می‌کند؛ زیرا حالت خودترمیمی درون ساختار وجود دارد.

ج. دلایل ضرورت بهره‌گیری از رویکرد نظام‌مند به توسعه علوم دینی
نظام‌مندی معارف دینی، مبتنی بر دلایل و مبانی خاصی است که از تبیین آن صرف نظر کرده و تنها به بیان رویکرد نظام‌مند، مؤلفه‌های آن و در نهایت شیوه کاربرد آن برای استخراج گزاره‌های تربیتی بسنده می‌کنیم.

یکم. ماهیت منسجم و نظام‌مند دین اسلام
یکی از دلایل مهم رویکرد نظام‌مند به دین، ماهیت منسجم و نظام‌مند خود دین اسلام مخصوصاً مکتب تشیع است. دین، مجموعه‌ای از قضایا و گزاره‌های منسجم و به هم وابسته است. بین گزاره‌های آن رابطه‌ای از نوع اصل و فرع حاکم می‌باشد. به گونه‌ای که فروع از اصول مرتبط با آن، قابل استنتاج است. این نوع تلقی از دین، امری جدید و نوظهور نیست بلکه به عنوان یک فرهنگ و اعتقاد مرتکز اندیشمندان دینی به شمار می‌رود. چنین سلسله مراتب گزاره‌های دین در قالب اعتقادات، اخلاق و احکام و به تعبیر برخی از اندیشمندان، فقه اکبر، فقه اوسط و فقه اصغر، بیانگر تفاوت سطح و جایگاه گزاره‌ها در چارچوب اندیشه دینی می‌باشد. شکی نیست که گزاره‌های نظیر توصیه به نماز با گزاره‌ای که با هدف بیان تعداد رکعات نماز می‌باشد در یک سطح نیست؛ حتی جایگاه توحید با عدل و نبوت با امامت در متن مباحث اعتقادی نیز یکسان نیست.

دوم. تولی حد اکثری دین نسبت به جامعه بشری
از دیگر دلایل ضرورت رویکرد نظام‌مند به دین، تلقی حد اکثری از نحوه تولی دین نسبت به جامعه بشری است. به عبارت دیگر، با توجه به اینکه دین عهده‌دار سرپرستی بشر در همه زمان‌ها و مکان‌هاست و از سوی دیگر، نسبت به خیلی از موضوعات جدید و نوپدید، نص خاص و گزاره ویژه مرتبط با آن وجود ندارد، در مواجهه با مواردی از این دست، یا باید به نبود موضع خاص از سوی دین نسبت به آن تن داد که این به تدریج منجر به رویکرد حد اقلی نسبت به دین خواهد شد (با ظهور روز افزون موضوعات نوظهور و پذیرش عدم موضع خاص از جانب دین نسبت به آن) و یا با اتخاذ تدبیر معرفتی خاص برای توانمند کردن دین جهت پاسخ‌گویی به آن رو آورد. با توجه به ماهیت نظام‌مند گزاره‌های دینی و وجود رابطه اصل و فرع بین آنها و امکان استنتاج گزاره‌های جدید در پاسخ به مسائل جدید، رویکرد نظام‌مند به دین، از بهترین راهبردها جهت خروج از بن بست معرفتی جهت پاسخ‌گویی به مسائل جدید و موضوعات نوپدید می‌باشد.

از مهم‌ترین شئون دین، سرپرستی و تولی جامعه بشری در همه ادوار و مناطق جهان می‌باشد. از سوی دیگر، عهده‌داری تولی بخشی نسبت به حیات بشر و رها کردن سایر ابعاد و یا در برهه‌ای خاص از زمان، مستلزم بی‌اعتنایی به تربیت انسان‌ها و واگذاری ولایت انسان‌ها به عهده دیگری می‌باشد. لازمه این رویکرد عدم تحقق عبودیت الهی به صورت همه‌جانبه می‌باشد. «۱. دین برای سرپرستی تکامل در طول تاریخ آمده است، به عبارت دیگر: دین، روشنگر مناسک عبودیت و پرستش است. ۲. با اعمال سرپرستی در یک بعد و رها کردن سایر ابعاد یا اعمال سرپرستی در یک مقطع تاریخی و رها کردن مردم در سایر زمان‌ها سرپرستی همه جانبه تاریخی واقع نشده و در بخشی از مسائل یا در مقطعی از زمان، ولایت تکامل به دیگری سپرده می‌شد و با عهده‌گیری بیان مناسک پرستش فردی و رها کردن تعیین مناسک پرستش اجتماعی - که اعظم از آن است - طریق پرستش هموار نمی‌گردد. در نتیجه دین باید سرپرستی هر مسئله‌ای را که عدل و ظلم در آن راه داشته و در سعادت و شقاوت مردم دخیل است به دست گیرد، اعم از روابط فردی و اجتماعی و مسائل مادی و معنوی؛ هرچند قطعاً این سرپرستی به معنای بیان جزئیات و ذکر مصادیق نیست (رابطه منطقی دین و علوم کاربردی،

سوم. نظام‌مندی جهان هستی و تناظر شریعت با عالم تکوین

۱. اندیشه‌های دینی در ارتباط با عالم هستی است. ۲. واقعیات عالم هستی و روابط میان آن نظام‌مند است. ۳. چون فهم صحیح و کامل از واقعیت نظام‌مند تنها به صورت نظام‌مند امکان‌پذیر است، در نتیجه طرح صحیح اندیشه‌های دینی (و توصیف، تبیین و توصیه متناظر با جهان هستی) باید به روش نظام‌مند باشد.

از سوی دیگر، جهان آفرینش و شریعت، متناظر با یکدیگرند؛ چنان‌که هر حقیقتی از جهان آفرینش جلوه و بیانی در شریعت یافته است. به سخن دیگر: می‌توان از کتاب تکوین و کتاب تشریح چنان سخن گفت که یکی ترجمان دیگری است؛ آن چه در کتاب تکوین با وجود موجودات نگاشته شده، در کتاب تشریح در قالب حروف و کلمات آمده است و نگارنده هر دو کتاب خداوند است. از این‌رو، شریعت در بردارنده همه حقایق و حوایج است و همچون دائرة المعارفی است که همه پرسش‌های آدمی در آن پاسخی می‌یابد.

چهارم. نظام‌مندی واقعیت‌های اجتماعی

از دیگر دلایل مهم ضرورت رویکرد نظام‌مند علوم دینی، نظام‌مندی واقعیت‌های اجتماعی است. اگر چه نهادهای اجتماعی به ظاهر جدا از هم به نظر می‌رسد، ولی واقعیت آن است که این نوع تلقی بسیار ساده انگارانه و سطحی است. در ورای این تمایز انتزاعی، نوعی به هم پیوستگی درونی و ارتباط متقابل عینی و ارگانیک بین نهادها وجود دارد، به گونه‌ای که اندک تغییری در یک نهاد موجب تغییرات متناسب در سایر عرصه‌ها می‌شود. حال اگر دین در صدد ایجاد تغییرات در جامعه و هدایت آن به سمت قله‌های رشد و کمال می‌باشد، طرح‌های توسعه‌ای آن باید به گونه‌ای باشد که همه نهادها را به صورت متوازن و منسجم در این مسیر سوق دهد؛ وگرنه با ایجاد تغییر در یک حوزه بدون در نظر گرفتن ارتباط این تغییرات در سایر بخش‌ها و پیامدهای مثبت و منفی آن، بیش از آنکه عامل رشد و تکامل جامعه شود بستر ساز بحران‌های مهارناپذیر در جامعه خواهد بود.

همان‌گونه که وجود فیزیکی انسان در قالب یک نظام عملکرد دارد و هر تغییر در یکی از اعضا، بر سایر اعضا نیز تأثیر می‌نهد، نظام اعتقادی انسان نیز وقتی مبدأ ارزش‌گذاری ذهنی فرد شده و از درون آن، رفتارهای انسانی در حوزه‌های مختلف ارتباطی نمود می‌یابد، مانند یک سیستم عمل می‌کند. توضیح اینکه، اگر ارتباطات انسانی در چهار حوزه ارتباط با خالق، ارتباط با طبیعت، ارتباط با خویشان و ارتباط با دیگر انسان‌ها تقسیم‌بندی شود، هر باور و اعتقاد نیز در یکی از حوزه‌ها به ارزش و رفتاری متناسب تبدیل می‌گردد و بلافاصله سایر ارتباطات سه‌گانه را متأثر از خود می‌سازد. برای مثال، انسانی که به وجود خداوندی قادر و توانا اعتقاد می‌یابد، رفتارش با دیگر انسان‌ها که این باور را ندارند، تفاوت بسیار دارد. نیز انسانی که برای خودش ارزشی متعالی قائل است، ارتباطش با خالق نسبت به انسانی که خود را نمی‌شناسد، بسیار متفاوت است. به موازات این ویژگی در تک‌تک افراد جامعه، در نظام اجتماعی هر جامعه نیز - که نظام‌های اقتصادی، سیاسی، قضایی، اداری و... در درون آن با هم در تعامل اند - با کارکرد سیستمی خود، هر تغییر در آن نظام به سایر نظام‌ها نیز منتقل می‌شود. مثلاً یک نظام اقتصادی قوی و موفق عامل تقویت نظام سیاسی، و یا یک نظام اداری کارآمد، بستر ساز رشد نظام اقتصادی است. از سوی دیگر، تمامی نظام‌های اقتصادی، سیاسی، قضایی، اداری و... در یک جامعه طراحی می‌شود تا در نظامی هدفمند، ارتباطات افراد جامعه با یکدیگر را سامان دهند؛ آن هم از آن رو که زمینه‌ساز پیشرفت کلی جامعه و از سوی باعث آرامش و آسایش افراد گردد. حال وقتی نظام اقتصادی در رابطه افراد سرپا می‌یابد، این مداخله به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر بر سایر ارتباطات فرد - از جمله ارتباط با خالق خویش - اثر می‌نهد. از دیگر سو، طراحان تمامی این نظام‌ها نیز به سبب ماهیت انسانی خود، در مراحل تحلیل و ارزیابی این نظام‌ها و بیان پیشنهادها و اصلاحی متأثر از نظام باورهای خویش، اعتقادات بنیادین خود را در

این پیشنهادهاى اصلاحى دخالت داده، به تدریج بر باورهای افراد جامعه چیره می گردند. در واقع بدین گونه است که مدارهای تأثیرات متقابل فرد و جامعه و حکومت شکل می گیرد. اگر این بحث عینی و درعین حال عقلانی، مورد پذیرش قرار گیرد، آشکار می گردد که اگر از بیرون جامعه ای، نظام های اجتماعی تحمیل نشود، مردم آن جامعه متأثر از مجموعه باورهای بنیادین و اعتقادات پایه ای خود در روندی تکاملی، نظام های اقتصادی، اداری و سیاسی خود را سامان خواهند داد؛ آن سان که در طول زمان با تغییر باورها و اعتقادات، این نظام ها اصلاحات خود را پذیرا می شوند و روند تکاملی خود را می یابند. حال اگر اعتقادات پایه ای و اساسی مردم جامعه از دینی الهی ریشه گرفته باشد و جامعه اجازه یابد که بدون نیروی خارجی و به دور از نظام های زورمدارانه و استبدادهای داخلی، مسیر طبیعی خود را بیساید و مردم نیز اجازه یابند که افراد مورد اعتماد خود را برای ساماندهی امور اجتماعشان برگزینند، می توان پذیرفت که در چنین جامعه ای به تدریج حکومتی مبتنی بر ارزش های دینی شکل می گیرد. از آن سو، اگر مداخله ای خارجی بخواهد نظام های خود را تحمیل کند و جریان های مبتنی بر زور یا قومیت های جاهلانه - از رهگذر نظام های جامعه - باورهای دیگری را در مناسبات جامعه تزریق نماید، بسته به میزان تضادی که در درون دو جریان اعتقادی مردم و نهاد تحمیلی به وجود می آید، درگیری ها و مبارزات آشکار و پنهانی در متن جامعه شکل می گیرد و بدین رو در روند سازندگی و پیشرفت جامعه اختلال ایجاد می شود. نکته مهم اینکه، با داشتن نگرشی کل نگر و سیستمی به مسائل جامعه، می توان پذیرفت در جامعه ای که باورهای دینی در بیشتر مردم نقشی تعیین کننده در شکل گیری ارزش ها و هنجارهای اجتماعی دارد، در عمل نمی توان دین را از سیاست جدا کرد (بنیانیان، بی تا: ۱۶۰).

پنجم. نظاممندی رقبای فکری

یکی از دلایل رویکرد نظاممند، وجود رقیب های فکری نظام مند در برابر دین می باشد. به تعبیر بهتر: با توجه به اینکه مکاتب مختلف علوم انسانی در همه شاخه های معرفتی آن، مجموعه ای از گزاره های منفرد انباشته نیست، بلکه مجموعه منسجم و نظامندی از گزاره هایی است که با سیر و ترتیب مشخصی از مبانی نظریه های اصلی و بنیادی، گزاره های راهبردی و فنون و راه حل های عملی و جزئی می باشد. به همین دلیل رویکرد گزینشی در مواجهه با این مجموعه معرفتی و گزینش برخی گزاره های به ظاهر موافق با دین و طرد برخی مسائل متعارض با آن بدون توجه به جایگاه خاص آن مسئله دریافت و مسلم معرفتی خاص آن رشته، تلقی ساده اندیشانه ای از ماهیت علوم تجربی اعم از طبیعی و انسانی است.

از سوی دیگر، مواجهه نظام با سیستم معرفتی منسجم رقیب، زمانی امکان پذیر است که فرد هم از يك سیستم معرفتی نظام مند نسبت به دین برخوردار باشد و هم از مهارت ذهنی لازم جهت مواجهه و مقایسه نظام مند هر دو عرضه معرفتی برخوردار باشد. بی تردید اندیشمندی ای که نوع معرفت وی نسبت به دین مجموعه ای از گزاره های پراکنده و از هم گسیخته باشد، توانایی مواجهه نظام مند مکتب معرفتی منسجم رقیب نخواهد داشت. این تعارض هم شامل گزاره هایی است که به صراحت با گزاره های دینی ناسازگارند و هم دربرگیرنده آن دسته از گزاره هایی نسبت که به ظاهر سازگار با دین هستند، اما در حقیقت و در نگاه کلان با دین سرناسازگاری دارند. البته کشف این ناسازگاری، زمانی میسر است که نگاه ما به دین نگاه نظام مند و ساختاری و کلان باشد و تنها در چنین نگاهی است که می توان تعارض واقعی و مکتوم موجود در این گزاره ها را با دین کشف کرد.

برای نمونه، اگرچه برخی گزاره های موجود در حقوق بشر با ظاهر دین ناسازگار نیستند، اما با قرار دادن این گزاره ها در بافت و ساختار مجموعی گزاره های دینی - مثلاً - تأکید بر حقوق ذاتی انسان ها یا آزادی و تساهل با انبوهی از آیات و روایات توافق ظاهری دارد، اما واقعیت آن است که در نظام اندیشه لیبرالی انسان فارغ از دخالت هر موجودی و با توجه به ویژگی های تکوینی

و ذاتی آن از چنین حقوق ذاتی غیر قابل سلب برخوردار می‌باشد. اما از دیدگاه اسلام حتی حقوق ذاتی نیز اعطایی بوده و خالق انسان، علاوه بر اعطای ویژگی‌ها و صفات ذاتی، حقوقی نیز برای آنها مقرر کرده است.

۵. شیوه بهره‌گیری از رویکرد نظام‌مند

الف. استخراج مبانی از منابع دین به صورت مستقیم با روش اجتهادی نخستین گام در طراحی نظام، استخراج مبانی نظام مسائل از طریق مراجعه مستقیم به منابع استنباط است. در مورد این موضوع، به چند نکته اساسی باید توجه داشت: مبانی، مجموعه‌ای از گزاره‌های مفروض برای طراحی یک نظام می‌باشد. این گزاره‌ها بر دو دسته‌اند: فی حد نفسه بدیهی و بی‌نیاز از اثبات هستند که در این صورت آنها را اصول متعارفه می‌نامند. اما چنانچه بدیهی نباشند باید به تبیین و اثبات آنها پرداخت. در هر صورت آنچه در مورد مبانی باید مورد توجه قرار داد، تفکیک آنها از نظام و بررسی آنها در مجموعه‌ای جداگانه می‌باشد. بنابراین عدم تصریح به مبانی و بهره‌گیری از آن به صورت ارتكازی از یک طرف موجب ابهام و سردرگمی خواننده می‌شود و از سوی دیگر زمینه را برای اتخاذ مبانی متعارض فراهم می‌کند و نتیجه طبیعی چنین روندی، شکل‌گیری یک نظام ناهماهنگ و ناسازگار می‌باشد.

در بخش اقسام روش تحقیق اجتهادی گفته شد که در روش تحقیق استنتاجی که راهی برای طراحی نظام‌ها از جمله نظام تعلیم و تربیت اسلامی است، از شیوه قیاسی و در قالب چینش مقدمات در اشکال مختلف استدلال قیاسی به ویژه ترکیب صغری و کبری، استفاده می‌شود.

مقدمات استدلال‌های قیاسی، مخصوصاً در کبراهای استدلال، بالاخص در نقطه‌های آغازین تولید نظام معرفت، باید مستقیماً از منابع دین، با تأکید ویژه بر روش اجتهاد استظهاری صورت بگیرد. به این ترتیب، این گزاره‌ها باید به صورت مستقیم و بدون آنکه از گزاره دیگری استنتاج شده باشند، از متون وحیانی و با مراجعه آیات و روایات استخراج شده باشد. اگر از گزاره دیگری نیز استخراج شده باشد بیش از یک واسطه نداشته باشد.

از دیگر نکات حائز اهمیت در مبانی نظام‌ها، اشتراکی مبانی نظام‌های متنوع دینی است. به عبارت دیگر اغلب خرده نظام‌های دینی مانند نظام سیاسی، اقتصادی، اخلاقی و دیگر نظام‌های فرعی مانند نظام مشاوره به لحاظ مبانی از وجوه اشتراک بسیار زیادی برخوردارند. به همین دلیل برای طراحی هر یک از این نظام‌ها اغلب مبانی مذکور باید مورد تحلیل و تنقیح قرار گیرد؛ چرا که عدم تحلیل شفاف آنها توانایی طراحی نظام را سلب می‌نماید و در نهایت به علت شفاف نبودن مفاهیم و عدم اتقان گزاره‌های موجود در مبانی، محصول به دست آمده ناقص و مبهم می‌باشد و از مبانی تصویری و تصدیقی کافی برای تبیین، طراحی و اثبات گزاره و ساختار نظام مورد نظر بی‌بهره خواهد بود. ضرورت تنقیح میانی، زمانی حادث خواهد بود که عناصر موجود در مبانی از حیث تبیین مفهومی و با دلایل اثبات موضوع در معرض اختلاف نظر باشد. در این حالت طراح هر نظامی ابتدا باید مواضع خود را در مورد مبانی به صورت شفاف بیان نماید و آنگاه به طراحی نظام از طریق ترکیب گزاره‌های مورد قبول خود در حوزه مبانی بپردازد.

ب. ترکیب گزاره‌ها هم‌سنخ و استخراج نتایج آنها

بعد از استخراج گزاره‌های اصلی، نوبت به ترکیب گزاره‌ها هم‌سنخ و استخراج نتایج آنها می‌رسد. این روش که به شیوه استدلال قیاسی و فرضی - استنتاجی موسوم است، به مشابه راهبردی جهت تکثیر گزاره‌ها در راه سازماندهی، تنظیم و جنبش منطقی

گزاره‌های اصلی برای دستیابی به نتایج جدید محسوب می‌شود. بعد از استخراج گزاره‌های جدید، نوبت به سازماندهی آنها حول محور واحد می‌رسد. در مواردی محور واحد از پیش معلوم بوده و مسیر استخراج گزاره‌ها با توجه به سؤال محوری انجام می‌پذیرد؛ از قبیل استخراج نظام اقتصادی، سیاسی، حقوقی و مشاوره. بدین ترتیب گزاره‌های تولید شده را می‌توان با توجه به ابعاد مباحث مربوط به هر حوزه فکری، تنظیم و بر اساس منطق طراحی نظام آنها را در قالب الگوی منطقی، منظم و مرتب کرد. در این شیوه ابتدا مجموعه گزاره‌های بنیادی و اصلی از متون دین استخراج می‌شود. مهم‌ترین ویژگی‌هایی که این گزاره‌ها باید داشته باشند، قطعیت، صراحت و پایه‌ای بودن آنهاست. وصف قطعی بودن، ناظر به این واقعیت است که محقق در مقام استناد آنها به دین و وحی هیچ تردیدی به خود راه ندهد.

خصلت اصلی بودن این گزاره‌ها نیز به این نکته اشاره دارد که مفاد این گزاره‌ها کاشف از اساسی‌ترین ارکان و بنیادی‌ترین حقایق دین می‌باشد. البته مراد ما از اصلی بودن، محدود کردن گزاره‌های اصلی به اصول دین در احکام و اصطلاح عربی رایج نیست بلکه دامنه‌ای وسیع‌تر از آن را شامل می‌شود، ولی با وجود این شامل گزاره‌ای فرعی نمی‌باشد. صراحت و روشنی این گزاره‌ها نیز زمینه‌ساز نغلتیدن در دام اختلاف نظرها و توجه و تأویل‌های محققان می‌باشد. بعد از استخراج گزاره‌های اصلی، نوبت به ترکیب گزاره‌های هم‌سنخ و استخراج نتایج آنها می‌رسد. این روش که به شیوه استدلال قیاسی و فرضی - استنتاجی موسوم است به مثابه راه‌بردی جهت تکثیر گزاره‌ها در راه سازماندهی، تنظیم و جنبش منطقی گزاره‌های اصلی برای دستیابی به نتایج جدید محسوب می‌شود. بعد از استخراج گزاره‌های جدید، نوبت به سازماندهی آنها حول محور واحد می‌رسد. در مواردی محور واحد از پیش معلوم بوده و مسیر استخراج گزاره‌ها با توجه به سؤال محوری انجام می‌پذیرد؛ از قبیل استخراج نظام اقتصادی، سیاسی، حقوقی و مشاوره بدین ترتیب گزاره‌های تولید شده را با توجه به ابعاد مباحث مربوط در هر حوزه فکری، می‌توان تنظیم و بر اساس منطق طراحی نظام آنها را در قالب الگوی منطقی، منظم و مرتب کرد. بدین ترتیب زمینه برای پاسخ‌گویی انواع سؤال‌های جدید و مسائل مستحدثه فراهم می‌کند.

۶. نتیجه

توسعه و بسط معارف اسلامی، چه در عرصه‌های نوظهور مانند تعلیم و تربیت - و یا با قدمت بیشتر - مانند اخلاق اسلامی، بازخوانی مجدد روش‌های استنباط را امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر کرده است. این بازخوانی و غنی‌سازی مبانی روش‌شناختی بسط اندیشه دینی، می‌باید با حفظ اصالت و محوریت روش تولید اندیشه دینی اصیل یعنی روش اجتهادی باشد. چون تنها راه جواز استناد بک آموزه به دین از یک سو و ارائه آن به جامعه برای عمل به آن (جواز فتوا)، منوط به عبور موفق یک گزاره از صافی روش اجتهادی می‌باشد. با توجه به این نکته کلیدی، در این مقاله، ابتدا به تبیین ماهیت اجتهاد و مؤلفه‌های آن، سپس به تبیین اقسام روش اجتهادی پرداخته شد. محور اساسی این مقاله، تأکید بر ضرورت بهره‌گیری از روش اجتهادی در شکل‌های مختلف آن و اشراک رویکرد نظام‌مند در بهره‌گیری از آنها می‌باشد. هرچند روش اجتهاد استنتاجی، سنخیت بیشتری با رویکرد نظام‌مند دارد، ولی روش استظهاری نیز در موقعیت‌های متناسب با آن، باید مورد استفاده قرار گیرد. آنچه که بهره‌گیری از رویکرد نظام‌مند را دو چندان می‌کند، تلاش برای طراحی نظام تعلیم و تربیت اسلامی است؛ دستیابی به آن عملاً ممکن نیست.

۱. Atomism.

۲. Elementalism.

۳. Reductionism.

۴. Analysis

۵. ر.ک: تعریف‌های مختلفی از سیستم ارائه شده است: سیستم عبارت است از: مجموعه‌ای عناصر مرتبط با یکدیگر (هاری و بیت، ۱۹۸۱: ۲۹). «مجموعه‌ای از گزاره‌ها که در یک پیوند متقابل و متوازن به تفسیر هماهنگ از مجموعه‌ای از اشیا یا پدیده‌ها می‌پردازد و آدمی را به موضع‌گیری سازگار و هدفمند دعوت می‌کند»؛ «منظومه‌ای از عناصر و اجزای مرتبط و در حال واکنش متقابل که یک کل واحد را به وجود می‌آورند»؛ «مجموع عناصر دارای کنش و واکنش»؛ «مجموعه هدف‌ها همراه با روابط میان هدف‌ها و میان خواص آنها» (فرشاد، ۳۶۲: ۹؛ دوران، دانیل، ۱۳۷۰: ۱۴؛ سبحانی، آقابابایی، ۱۳۸۵: ۵۵-۶۷؛ عالم، ۱۳۷۳: ۱۴۹).

۶. دین، مجموعه‌ای از عناصر و گزاره‌های بهم‌پیوسته و نظام‌مند است. ۲. این عناصر و اجزا تابع اهداف دین هستند و هدف‌گرایی آن به این عناصر شکل می‌دهد و ساختار ارتباطی آنها با یکدیگر را تعیین می‌کند. ۳. اتحاد مبدأ پیدایش دین با مبدأ پیدایش هستی، پل ارتباطی دین با واقعیت‌ها است و بر این اساس، برنامه‌های دین جلوه‌هایی از معادلات واقعی است و برنامه‌های دین، مدل کردن واقعیت‌هاست. ۴. دین، اهداف و برنامه‌های خود را اولویت‌بندی می‌کند. ۵. برنامه‌های دین در فرایندی پیوسته، مستمر و تدریجی تحقق می‌یابد (واسطی، بی‌تا: ۲۲۶/۳۳).

- بهبهانی، وحید، الفوائد الحائریة، قم، مجمع الفكر الإسلامی، ۱۴۱۵ق.
- پورموسوی، سید محمدعلی، تشیع و دوران نظام‌سازی مذهبی و سیاسی (از زمان شکل‌گیری تا پایان دوره اول خلافت عباسی)، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، سال بیستم، شماره ۲، ۱۳۹۵.
- پیروزمند، علی رضا، مردم‌سالاری دینی: میثاقی با امام جامعه - نظام‌سازی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی، سوره اندیشه، بهمن و اسفند، شماره ۵۶ و ۵۷، ۱۳۹۰.
- حلی، علامه حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، مبادئ الوصول إلى علم الأصول، قم، المطبعة العلمية، ۱۴۰۴ق.
- خامنه‌ای، سید علی، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ بیست و یکم، ۱۳۷۷.
- خراسانی، محمدکاظم، کفایة الأصول، قم، مؤسسه آل‌البتیت^۸، ۱۴۰۷ق.
- خمینی، روح‌الله، تهذیب الاصول، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۸۲.
- خویی، سید ابوالقاسم، مصباح الأصول، قم، کتابفروشی داوری، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
- دوران، دانیل، نظریه سیستم‌ها، مترجم: محمد یمنی، تهران، شرکت انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰.
- رضایی‌منش، بهروز؛ بابایی مجرد، حسین، معناشناسی نظام‌سازی و روش‌شناسی کشف نظام از منابع دینی، قبسات، شماره ۷۶ علمی - پژوهشی/ISC، ۱۳۹۴.
- رضائیان، علی، تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۷۷.
- سبحانی، محمدتقی، آقابابایی، اسماعیل، الگوی جامع شخصیت زن مسلمان، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۵.
- صحاف کاشانی، علی، جایگاه امامت در نظام اندیشه اسلامی سفینه، شماره ۱۶، ۱۳۸۶.
- صدر، سید محمد، فقه استدلالی و قواعد فقهی، قم، دار الأضواء للطباعة و النشر و التوزیع، بی‌تا.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، العدة فی أصول الفقه، قم، چاپخانه ستاره، ۱۴۱۷ق.
- عالم، عبدالرحمن، بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی، ۱۳۷۳.
- عاملی، جمال‌الدین حسن بن زین‌الدین، معالم الدین و ملاذ المجتهدین، قم، مؤسسة الفقه للطباعة و النشر، ۱۴۱۸ق.
- عبدالحسین‌زاده، محمد؛ بابایی مجرد، حسین، کشف و فهم الزامات و بایسته‌های نظام‌سازی قرآنی در جامعه اسلامی، حکومت اسلامی، تابستان، شماره ۸۴، ۱۳۹۶.
- علاقه‌بند، علی، مبانی نظری و اصول مدیریت آموزشی، تهران، نشر روان، ۱۳۸۵.
- علی‌اکبری بابوکانی، احسان؛ طباطبایی، سید محمد صادق؛ آهنگری، احسان، بازکاوی جایگاه منطقه الفراغ در نظام‌سازی فقهی با تأکید بر آرای شهید صدر، فقه و مبانی حقوق اسلامی، بهار و تابستان، سال پنجاهم، شماره ۱، ۱۳۹۶.
- عینی‌زاده (موحد)، محمد؛ مودب، سیدرضا، «نظام‌سازی» در نگاه تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای، مطالعات قرآن و حدیث، پاییز و زمستان، شماره ۲۱، ۱۳۹۶.
- غروی، محمدحسین، نه‌ایة الدراییة، انتشارات سید الشهداء، ۱۳۷۴.
- غنوی، امیر، درآمدی بر فقه الاخلاق، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۳.
- فاضل تونی، ملا عبدالله، الوافیة فی الأصول، مجمع الفكر الإسلامی، ۱۴۱۵ق.

فرشاد، مهدی، نگرش سیستمی، تهران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۲.

مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، بی تا.

نبوی، سید عباس، فقه، زمان و نظام‌سازی کیهان اندیشه، مرداد و شهریور، شماره ۶۷، ۱۳۷۵.

Designing Islamic System of Education and Upbringing with Reliance on an Organized Jurisprudential Approach *

Reza Habibi **

Abstract

The present article seeks to explain the necessity of making use of the inferential method of Ijtihad with an organized approach to generate educational premises so as to design an efficient system of nurture and education. The basic question which this article seeks to answer is: Why should we make use of an inferential method with an organized approach? How is that method applied? To answer these questions, efforts have been made to make use of an analytical-descriptive method. Findings show that in addition to making use of istizhari (indicative) method, it is essential that inferential method be also used. Making use of inferential method is suitable for generating premises and extending educational teachings based on religious sources, but it is not sufficient. In fact, in order to achieve a system of education and nurture, it is necessary to have an organized strategy towards producing educational premises and statements. Emphasizing on an organized approach is a new approach. For this reason, different notions and understandings of it have come into being ensuing, by extension, positive and negative reactions. It is therefore suggested that in addition to depending on the theoretical foundation of this approach, it should also be practically used so that its limits and credibility are objectively put to test and ascertained.

Keywords: system, ijtehad, inference, seeking explicit meaning.

* Date of submission: ۱۴/۴/۱۳۸۷ Date of acceptance: ۲/۷/۱۳۸۷.

** PhD of Philosophy of Education and Nurture, director in charge of textbooks of al-Zahra University, associate professor and research secretary of the Department of the Principles of Thought at the Humanities Institute (reza_۳۰_mahdi@yahoo.com).